یادداشت

سردار حسین رحیمی*

هوشمندسازی پلیس، برنامه تحولی و سند چشم‌انداز نیروی انتظامی

هوشمندسازی پلیس فرآیندی مستمر و دائمی در برنامه‌های راهبردی نیروی انتظامی است که نه متوقف شده و نه از سرعت آن کاسته می‌شود؛ چراکه با کمترین وقفه، دیگر اقدامات انجام شده نیز کارایی خود را از دست داده و اثربخشی آن کاهش می‌یابد.

هوشمندسازی پلیس به موازات رشد تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی و خدماتی در راستای تسهیل مأموریت‌های این سازمان رو به افزایش بوده که مهم‌ترین هدف آن، کاهش بوروکراسی اداری، جلوگیری از هدررفت وقت و انرژی مردم و مراجعان، افزایش سرعت در ارائه خدمات است.

بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت مانند راه‌اندازی سایت‌ها و رسانه‌های برخط، اپلیکیشن‌های خدمات‌رسان، تجهیزات و تکنولوژی‌های بیومتریک، دسترسی به سیستم جامع اطلاعات برای تشخیص هویت، انگشت نگاری و سازماندهی و بازیابی اطلاعات افراد در پلیس آگاهی، استفاده از دوربین‌های پیشرفته دید در شب و حرارتی، ریزپرنده‌ها و دستگاه‌های تصویربرداری در مرزبانی، راه‌اندازی سامانه داشبور و کنترل برخط گشت‌های پلیس، اپلیکیشن پلیس من، ارائه خدمات نقل و انتقال خودرو، کروکی‌های الکترونیکی در پلیس راهور و بسیاری از خدمات دیگر در حوزه تمام پلیس‌های تخصصی، همه و همه می‌تواند گام‌های مؤثری در راستای افزایش سطح هوشمندی پلیس باشد.

پلیس پایتخت نیز با در نظر گرفتن لزوم تهیه زیرساخت‌های هوشمندسازی در سال‌های اخیر، قدم‌های تازه‌ای در این مسیر برداشته و سعی کرده با اشراف اطلاعاتی، تهیه سیستم‌های جامع مدیریتی و اطلاعاتی، تربیت نیروهای متخصص و متعهد و تکیه بر ابزارهای نوین، خود را به روز نگه دارد که برای مثال می‌توان به مجهز شدن لباس مأموران در صحنه به دوربین و ثبت و ضبط دقیق لحظات اجرای مأموریت، به عنوان نمونه‌ای از هوشمندسازی پلیس و رعایت حقوق مأموران و حتی حقوق مجرمان، اشاره داشت.

پلیس همواره با رویکرد پیشگیری و اقدامات پیشدستانه، به دنبال برنامه تحولی در استفاده روزافزون از تکنولوژی‌های روز در راستای هوشمندسازی است؛ چراکه بهره‌گیری از ابزارهای نوین در هر سطحی می‌تواند «امنیت پایدار» را به ارمغان آورد، امنیتی که در هر لحظه از شبانه روز و با استفاده از تجهیزات مدرن اطلاعاتی و مدیریتی قابل کنترل و ردگیری است و می‌تواند آرامش روانی را برای جامعه و شهروندان به همراه داشته باشد.

از آنجاکه یکی از رویکردهای مهم پلیس، تقویت رویکرد جامعه محوری، ارتباط اطمینان بخش با شهروندان و در عین حال کاهش برخوردهای فیزیکی است، رسیدن به قله هوشمندسازی و عدم وقفه در یک نقطه، چشم انداز نیروی انتظامی بوده و خوشبختانه در سال‌های اخیر پلیس تهران بزرگ نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

البته لزوم حمایت و پشتیبانی از پلیس از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط و تأمین اعتبارات لازم برای تزریق تجهیزات به بدنه پلیس و آموزش‌های لازم می‌تواند به هموارتر شدن مسیر رسیدن به هوشمندسازی پلیس کمک کند.

قرارگاه هوشمندسازی پلیس از سال ۹۸ در نیروی انتظامی راه‌اندازی شده و براساس چشم‌انداز کلی نیروی انتظامی قرار است تا پایان سال جاری تمام خدمات ناجا هوشمندسازی شود که این امر می‌تواند بر ارتقای سطح کیفیت امنیت شهروندان مؤثر بوده و سرعت خدمات‌رسانی پلیس به مردم را افزایش دهد.

«امنیت پایدار» ماحصل هوشمندسازی پلیس و حرکت اجتناب ناپذیری است که با تهیه زیرساخت‌ها و در صدر اولویت‌های ناجا، به سرعت به پیش می‌رود و می‌تواند خلأهای ناشی از نیروی انسانی را پوشش داده و «تحول سیستمی» را موجب شود.

«کلانتری هوشمند» نیز یکی دیگر از موارد هوشمندسازی پلیس است که به دلیل مراجعه دائمی و بسیار مردم به این اماکن می‌تواند پلیس را در راستای پاسخگویی بهتر، سریعتر و گذر از مرحله سنتی بودن پلیس به مدرن، یاری کند، هوشمندشدن پلیس موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه مردم شده و علاوه بر سرعت در انجام امور، رضایت بخشی شهروندان را نیز به همراه خواهد داشت که این همان «امنیت پایدار» در حوزه‌های مختلف فیزیکی، روانی و ذهنی مردم است.

امید است که با یکپارچه‌سازی امور و یاری دستگاه‌های ذی‌ربط، سرعت هوشمندسازی پلیس بیش از پیش افزایش یافته و آثار و نتایج خود را در امور روزانه پلیس و مردم نشان دهد.

***فرمانده انتظامی پایتخت**

آخرین تلاش‌های سرپرست دادسرای امور جنایی برای نجات آرمان

گزارش
غلامرضا مسکنی

از شامگاه دوازدهم اسفند ۹۲ که پدر و مادر غزاله برای پیدا کردن دخترشان خانه را ترک کردند تا روز گذشته که بار دیگر به جلسه صلح و سازش در دادسرای امور جنایی تهران دعوت شدند، هیچ نشانی از دختر نوجوانشان پیدا نکردند. آرمان، عامل این پرونده جنجالی که از آن زمان بازداشت شده، به جرمش اعتراف کرده، به مرگ محکوم شده و تا پای طناب‌دار هم رفته با اینکه این روزها نفس‌هایش به شماره افتاده راز پنهان کردن جسد را نزد خودش نگه داشته‌است. رازی که برملا شدن آن شاید بتواند زندگی را به او بازگرداند.

به گزارش جوان، پرونده جنجالی آرمان و غزاله تمامی مراحل اجرای حکم را طی کرده و رئیس قوه‌قضائیه هم گفته است که نیازی به استیذان جدید برای اجرای حکم ندارد و همان استیذان قبلی کافی و کامل است. الان پرونده آرمان روی میز قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی، معاون دادستان تهران قرار دارد و قرار است چنانچه اولیای‌دم او را نبخشند به زودی حکم قصاص اجرا شود. قبل از این قاضی محمد شهریاری با برگزاری حدود ۲۰ جلسه صلح و سازش با حضور، خبرنگاران حوزه حوادث، هنرمندان و پیشکسوتان عرصه ورزش تلاش زیادی برای جلب رضایت انجام داده‌بود، اما هیچ کدام به نتیجه نرسیده‌است. خانواده غزاله در آخرین جلسه صلح و سازش تنها شرط بخشش را پیدا کردن جسد دخترشان اعلام کردند، اما هیچ‌کس ردی از جسد غزاله نداشت.

صبح دیروز قاضی محمد شهریاری با برگزاری جلسه صلح و سازش با حضور پدر و مادر غزاله و پدر و مادر آرمان و خود آرمان در دفتر کارش آخرین تلاش‌های خود را برای بخشیدن زندگی به آرمان انجام داد اما در نهایت جلسه بی‌نتیجه ماند و قرار شد اولیای‌دم به زودی نظر خود را اعلام کنند.

■ بخشش آرمان نام غزاله را ماندگار می‌کند

جلسه ساعت ۱۱ صبح در محل دفتر سرپرست دادسرا شروع شد. پدر و مادر غزاله یک طرف میز نشسته بودند و پدر و مادر آرمان هم که لباس سیاه به تن داشتند در طرف دیگر میز نشسته بودند. لحظاتی بعد آرمان در حالی که دست و پای در غل و زنجیر بود با بدرقه مأمور زندان وارد اتاق شد و در صندلی روبه‌روی قاضی شهریاری نشست و چشمانش را به زمین دوخت.

قاضی شهریاری جلسه را آغاز کرد و گفت: در این مدت جلساتی زیادی برای جلب رضایت برگزار کردم و الان هم هنوز معتقدم حلاوتی که در گذشت است در انتقام و قصاص نیست. به همین خاطر دوباره شما را دعوت کردم که به آرمان زندگی دوباره ببخشید. مطمئن هستم که با قصاص به آرامش نمی‌رسید و غزاله هم دوباره به زندگی بر نمی‌گردد اما بخشش آرمان نام غزاله را ماندگار خواهد کرد و شما می‌توانید وجهه مصالحی دریافت کنید و برای غزاله مدرسه، خیریه یا مجموعه ورزشی بنا کنید که تا ابد ماندگار و خیر آن همیشه جاری باشد، اما با قصاص آرمان همه چیز تمام می‌شود و دیگر اثری از کار خیر نمی‌ماند.

وی در ادامه به پدر و مادر غزاله گفت: شما در جلسه قبلی شرط گذاشته بودید که اگر جسد غزاله را پیدا کنید آرمان را می‌بخشید، اما به نظر من جسد دست یافتنی نیست. اگر آرمان یا خانواده‌اش در جریان جسد بودند حتماً اعلام می‌کردند چون جان او در دستان شما است. ما پرونده‌های زیادی داشتیم از جمله پرونده قتل‌های خرمدین که جسد را در سطل زباله انداخته بود اما پیدا نشد.

قاضی شهریاری در پایان گفت: طبق گزارشات مسئولان زندان و اندرزگاهی که آرمان در آنجا حبس است وی در این مدت هفت‌سال و نیم که در زندان به سر می‌برد، مرتکب هیچ خطا و جرمی نشده است که نشان می‌دهد اتفاق هم برنامه‌ریزی شده نبود و الان هم وی به شدت پشیمان است که به نظر من استحقاق بخشش از طرف شما را دارد. هر چند که این حق شما است که او را ببخشید یا او را قصاص کنید، اما می‌دانید لذتی که در بخشش است در قصاص نیست.

■ همه گریستند

در ادامه پدر آرمان در حالی که گریه امانش نمی‌داد از خانواده غزاله درخواست بخشش کرد. وی گفت: کاش می‌شد الان به جای این جلسه که برای نجات جان انسانی تلاش می‌کنیم جلسه خواستگاری برای آرمان و غزاله می‌داشتیم نه الان که درباره حادثه تلخ و وحشتناکی حرف بزنیم که دل همه ما را به درد می‌آورد. از روزی که این حادثه رخ داد هر روز کینه و نفرت بیشتری به خاطر ندانم کاری‌های ما اضافه شد و الان همراه همسرم آمده‌ام فقط برای طلب بخشش هر چند که وقتی چهره خانم شکور و آقای شکور را می‌بینم شرمنده می‌شوم که این درخواست را به زبان بیاورم.

وی در حالی که صدای گریه‌اش در جلسه پیچیده شده بود به پسرش گفت: آرمان نه تنها شما را سیاه‌پوش کرد که ما را هم به خاک سیاه نشاند. او با ندانم کاری‌هایش اشتباه بزرگ و غیر قابل بخششی را رقم زد. آنها در اوج دوران جوانی عاشق و دلباخته هم بودند و احساساتی فکر می‌کردند و آن روز هم آرمان خطای بزرگی را مرتکب شد. آرمان تو مگر پدر نداشتی، مادر نداشتی چرا چنین خطای بزرگی کردی؟ چرا پس از این حادثه موضوع را به ما نگفتی که الان به خاطر جسد غزاله شرمنده پدر و مادرش نشویم. زندگی همه ما را سیاه کردی. (گریه امانش نمی‌دهد و اشک پهنای صورت همه افراد حاضر در جلسه را پوشانده است.)

■ زانو زدن مقابل مادر غزاله

پس از التماس‌های پدر آرمان، مادر آرمان مقابل مادر غزاله زانو زد و درخواست بخشش کرد.

وی در حالی که بغض و گریه گلویش را گرفته بود با التماس‌های زیاد گفت: من و شما مادر هستیم و می‌دانم در این مدت چه به شما گذشته است. رنج و درد در چهره شما نمایان است و من هم شرمنده هستم که درخواست گذشت دارم، اما چه کنم که مادرم. فرزند کوچکم که الان ۱۷ ساله‌است در آن زمان از آرمان برای خود بت ساخته بود، اما آرمان او را هم نابود کرد. الان او در این مدت چند بار دست به خودکشی زده است و از بیماری روحی و روانی رنج می‌برد به خاطر این حادثه تلخ. فکر می‌کنم که شما مرا هم در این حادثه مقصر می‌دانید، اما من مادرم و باور کنید اگر آن روز اطلاعی داشتم نمی‌گذاشتم الان شرمنده شما باشم. شما بزرگواری و مادری کنید آرمان را به من ببخشید.

■ خطایی بزرگ کردم

در ادامه جلسه نوبت به آرمان رسید. وی در حالی که اشک می‌ریخت و اظهار پشیمانی می‌کرد، گفت: من عاشق غزاله بودم همه شما می‌دانید که چقدر او را دوست داشتم. از روی نادانی حماقت کردم و سرم در آخر عمرم پایین است. من که تا آن زمان اصلاً بازداشتگاه ندیده بودم و حتی مورد انضباطی در مدرسه هم نداشتم الان هفت‌سال و نیم است که در زندان هستم و روز شب نگاهم به دیوار است. این حق من است و هر بلایی هم که سر بیاید کم است، چون خطای بزرگی را مرتکب شدم. ما همیشه با هم بودیم حتی زمانی که برای گواهینامه به عکاسی رفت و موارد دیگر. الان از مادر و پدر غزاله می‌خواهم مرا ببخشند هر چند می‌دانم درخواست بزرگ و سختی است.

■ کمرم شکست

سپس مادر غزاله رو به آرمان کرد، گفت: شما چطور عاشق دخترم بودی که به او آسیب زدی و او را با میله بارفیکس به قتل رساندی؟ تو با این خطایی که کردی کمر من و شوهرم را شکستی. اگر آرتین (برادر کوچک آرمان) شما آسیب دید، در قتل دخترم هزاران آرتین ما هم آسیب دیدند. من مادرم و نمی‌توانم شما را ببخشم چون شما ما را برای همیشه سیاه پوش کردید و حتی جسد دخترم را از ما دریغ کردی.

پدر غزاله هم گفت: در این مدت ما سختی‌های زیادی کشیدیم. هر زمانی که پیگیر پرونده دخترم بودیم به ما به چشم متهم نگاه می‌کردند. اصلاً کسی برای آرامش ما گامی برنداشت و از همه بدتر پدر آرمان همیشه سعی داشت حق را ناحق کند. در صورتی که اگر من جای پدرش بودم می‌گذاشتم حق اجرا شود و پسرم پای چوبه دار برود و ناحق نمی‌کردم. ما از اول گفته بودیم که درخواست قصاص داریم و الان هم می‌گوییم که قصاص می‌خواهیم.

در پایان جلسه در حالی که پدر و مادر غزاله از جلسه خارج می‌شدند آرمان و مادرش با گریه و التماس دوباره‌ای درخواست بخشش کردند.

اتهام قتل به گردن همدست فراری

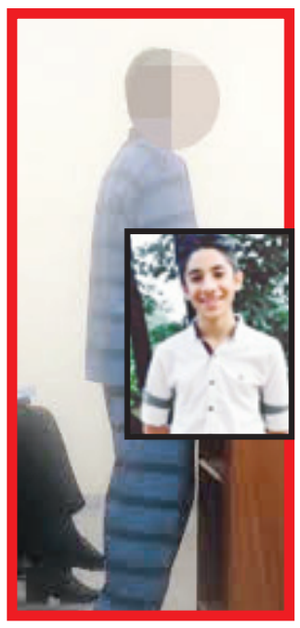

مردی که به اتهام قتل پسر نوجوان در بازداشت به سر می‌برد اتهام را به گردن همدست فراری‌اش انداخت.

به گزارش جوان، یک‌سال قبل مأموران پلیس پاکدشت از حادثه خونین در یکی از محله‌های فرون‌آباد با خبر شده و در محل حاضر شدند. در اولین بررسی‌ها مشخص شد که پسری ۱۴ ساله با ضربه چاقو از ناحیه گردن هدف قرار گرفته و جانش را از دست داده‌است. پدر او که در محل حاضر بود، گفت: ساعتی قبل پسرم نیما زباله‌ها را برداشت و از خانه بیرون برد. لحظاتی گذشت اما از نیما خبری نشد. فکر کردم که مقابل در خانه با دوستانش در حال حرف زدن باشد که یکی از دوستانم تماس گرفت و گفت که نیما را به گروگان گرفته‌اند. او گفت که نیما به او پیامک داده و گفته‌است که از سوی افراد ناشناسی به گروگان گرفته شده‌است. پدر مقتول ادامه داد: من شتاب‌زده خانه را ترک کرده و به دنبال پسرم گشتم. در کوچه‌ها می‌گشتم و پسرم را صدا می‌زدم که ناگهان در خانه‌ای باز شد و نیما در حالی که دست به گردنش گرفته‌بود بیرون آمد. متوجه شدم که او با ضربه چاقو از گردن هدف قرار گرفته است. بعد هم نیما در آغوشم جان سپرد.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات در این باره به جریان افتاد. مأموران پلیس در اولین گام راهی خانه مورد نظر شده و پسری ۱۹ ساله به نام کامران را بازداشت کردند. کامران در بازجویی‌ها گفت: قبول دارم که در حادثه چاقو خوردن نیما حاضر بودم، اما من در قتل او نقش نداشتم. او گفت: لحظاتی قبل از حادثه من و نیما به خانه دوستمان بهنام رفتیم و مشروب خوردیم. در حال تفریح بودیم که بهنام و نیما با هم درگیر شدند. وقتی مشاجره آنها بالا گرفت بهنام با چاقو ضربه‌ای به گردن نیما زد و فرار کرد. دفاعیات کامران از سوی بازپرس پذیرفته نشد و او به اتهام قتل عمد مجرم شناخته و کیفرخواست علیه وی صادر و پرونده برای بررسی به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

روز گذشته بعد از اینکه قاضی رسمیت جلسه را اعلام کرد اولیای‌دم در جایگاه قرار گرفتند و برای متهم درخواست قصاص کردند. پدر مقتول در حالی که به شدت گریه می‌کرد به دادگاه گفت که کامران در قتل پسرش نقش دارد. او گفت: آن شب پسرم به چند نفر پیامک داده و گفته است که او را به گروگان گرفته‌اند. کامران نمی‌دانست که پسرم گوشی تلفن همراه دارد و ماجرا را خبر داده‌است. وقتی من از ماجرا با خبر شدم به دنبال پسرم گشتم و او را در آخرین لحظات زندگی‌اش پیدا کردم. کامران پسرم را به قتل رسانده و باید مجازات شود.

کامران اما اتهام قتل عمد را قبول نکرد و گفت: من با نیما دوست بودم. او آن شب به خانه ما آمد. بهنام هم خانه ما بود که با هم تفریح کردیم و مشروب خوردیم. در همان حال بود که بهنام و نیما با هم دعوا کردند و حادثه اتفاق افتاد. کسی هم که به نیما چاقو زد بهنام بود که بعد از حادثه فرار کرد.

قاضی از متهم سؤال کرد حالا که بهنام از محل فرار کرده اتهام را گردن او می‌اندازی؟ متهم جواب داد: من هنگام دستگیری هم این حرف را زده‌ام و آن موقع هم گفتم که بهنام قاتل است و من دست به چاقو نبرده‌ام.

هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم جلسه را برای شنیدن اظهارات شاهدان تجدید کرد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی شماره پرونده:۰۳/۱۴۰۰/۷۸۶۸ برابر رأی شماره ۱۴۰۰۰۶۰۳۱۰۰۰۴۰۰۵۶۱۴-۱۴۰۰/۰۶/۰۳ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت اسناد و املاک بابل، تصرفات مالکانه و بلامعارض خانم عفت تاج الدین فرزند رمضانعلی به شماره شناسنامه ۸۳۹ شماره ملی ۲۰۶۱۶۴۱۰۰۸ صادره از بابل نسبت به شش دانگ یک باب خانه در آن به مساحت مساحت ۴۶۱ مترمربع پلاک ۹/۳۲۷ اصلی واقع در بالاکروکلا بخش ۱۰ بابل خریداری از آقای محمدآقا گل نژاد محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۰/۰۷/۰۳ نوبت دوم ۱۴۰۰/۰۷/۱۸ .م/الف شماره شناسه ۱۱۹۵۷۳۸

سید مهدی حسینی کریمی سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بابل
شناسه آگهی: ۱۱۹۵۷۳۸

نوبت اول

آگهی مزایده اجاره

شهرداری شاهرود در نظر دارد نسبت به واگذاری کشتارگاه احشام بصورت اجاره به بخش خصوصی اقدام نماید ،لذا متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از موضوع آگهی همه روزه به جز ایام تعطیل در وقت اداری با مراجعه به واحد کشتارگاه شهرداری و یا با تلفن ۳۲۳۷۱۵۳۰-۰۲۳ تماس حاصل نمایند .
ضمنا متن اگهی در سایت شهرداری به آدرس
www.shahrood.ir
جهت مشاهده متقاضیان رویت و بهره برداری می‌باشد
مهلت دریاقت اسناد مزایده تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۵ می باشد

جواد وفایی - سرپرست شهرداری شاهرود
نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸ - نوبت دوم ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

دانشنامه پایان تحصیلات دوره کارشناسی اینجانب مهدی طاهریان فرزند حسینعلی به شماره شناسنامه ۸۳۲ شماره ملی ۴۵۶۹۵۲۲۸۸۲ صادره از سمنان در مقطع کارشناسی رشته حقوق قضایی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان به نشانی دامغان ،میدان سعدی - بلوار چشمه علی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان کد پستی ۳۶۷۱۶۳۹۹۹۸ ارسال نماید.

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محمد کره به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است ،سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ اعیان یکباب منزل به شماره پلاک ۳۸۰۲ فرعی از۲- اصلی بخش نه مشهد مفقود شده است ،با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت نامبرده ذیل دفتر املاک الکترونیک به شماره ۱۳۹۸۲۰۳۰۶۲۷۱۰۰۳۱۶۸ ثبت وسند مالکیت به شماره ۴۹۹۷۶۵ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد ،لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت ،مراتب یک نوبت آگهی صادر ومتذکر میگردد،هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود است ،بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید.بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر ویا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی وتسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

بشیر پاشایی - ثبت اسناد واملاک ناحیه ۵ مشهد مقدس - م الف ۶۶۰

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علی پیروی با شماره ملی ۰۰۴۳۳۰۵۵۴۷ به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده ومدعی است سند مالیکت ششدانگ پلاک ۱۸۰۲ فرعی از۲۵ فرعی از۳- اصلی بخش نه مشهد مفقود شده است.با بررسی دفتر املاک معلوم شد،مالکیت نامبرده در ذیل دفتر املاک الکترونیک ۱۳۹۸۲۰۳۰۶۲۷۱۰۱۶۸۳۸ ثبت وسند مالکیت به شماره ۷۸۷۸۰۹ سری ب ۹۸ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد ،لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت ،مراتب یک نوبت آگهی صادر ومتذکر میگردد،هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود است ،بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر ویا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی وتسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

بشیر پاشایی - ثبت اسناد واملاک ناحیه ۵ مشهد مقدس - م الف ۶۶۰

دفترچه ثبت ساعت پایه یکم وشماره سریال دفترچه ساعت ۰۰۱۹۲۵۲ بنام ناصر پرمائی فرزند نظر به شماره ملی ۲۲۶۹۲۴۴۰۷۹ متولد ۱۳۴۸ مفقود گردیده وازدرجه اعتبار ساقط است.
گلستان

برگ سبز خودرو پرایدهاچ بک به رنگ سبز یشمی مدل ۱۳۸۰ به شماره موتور N۱۳۲۴۱۱۶۶ وشماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۰۱۵۷۴۶۱ پلاک ۸۳۶س۹۸ ایران ۵۹ قربا ن علی عرب قلندری مفقود گردیده وازدرجه اعتبار ساقط است.

مفقودی
برگ سبز خودرو تیبا CNG مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران۳۸ ۶۱۳ ه ۳۴) به شماره موتور ۸۲۴۷۷۴۵ شماره شاسی NAS۸۱۲۱۰۰F۵۸۸۵۸۷۱ متعلق به الناز عباسقلی زاده مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

مفقودی
برگ سبز و کارت شناسایی خودرو تندر L۹۰ تیپ E۲ مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران۳۸ ۳۴۴ س ۴۳) به شماره موتور ۱۰۰۰۱۴۰۶۷RD۲۲۱۲۰۹ شماره شاسی NAALSRALDDA۲۲۸۰۷۴ متعلق به حسین رضا نیکوکار مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز